



علامه طباطبایی در پرتو اشارات روایی به تفسیر عقلی پرداخته است

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به این که علامه طباطبایی با تلنگری که از سوی روایت ایجاد شده است، می‌اندیشد و با اجتهاد خود به تفسیر عقلی و قرآن به قرآن می‌پردازد، اظهار کرد: گویی ایشان به طور بی‌صدا و خاموش، در آغاز نور را از چراغ روایت گرفته و با چراغی که زوایای آیه را آشکار کرده است، به تفسیر می‌پردازد.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به این که علامه طباطبایی با تلنگری که از سوی روایت ایجاد شده است، می‌اندیشد و با اجتهاد خود به تفسیر عقلی و قرآن به قرآن می‌پردازد، اظهار کرد: گویی ایشان به طور بی‌صدا و خاموش، در آغاز نور را از چراغ روایت گرفته و با چراغی که زوایای آیه را آشکار کرده است، به تفسیر می‌پردازد.

مریم حاج‌عبدالباقی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بحث درباره تفسیر المیزان و ویژگی‌های خاص آن پرداخت و اظهار کرد: علامه طباطبایی با توجه به زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کرد و با توجه به روحیات خاص ایشان که از حیث فلسفی، عرفانی و فقهی و دغدغه‌های اجتماعی واجد شخصیتی جامع بوده است، به تفسیر قرآن پرداخته است. اگرچه آراء اجتماعی علامه طباطبایی به جامعیت وجوه عرفانی و فلسفی وی نباشد، اما به عنوان عالمی مسلمان، قطعاً این دغدغه‌ها را داشته است و این گرایش را می‌توان در جای‌جای تفسیر المیزان ملاحظه کرد.

وی با اشاره به دو ویژگی برجسته‌ای که در تفسیر المیزان به طور چشمگیر دیده می‌شود، گفت: ویژگی نخست مربوط به پابندی علامه طباطبایی به تفسیر قرآن به قرآن است و نکته دوم استفاده از دو روش موضوعی و ترتیبی در ارائه مباحث تفسیری است که از این جهت نیز المیزان را از سایر تفاسیر متمایز می‌کند.

حاج‌عبدالباقی در جهت توضیح این دو ویژگی ادامه داد: در تفاسیری نظیر تفسیر ابن‌کثیر یا آثار تفسیری ابن‌تیمیه، ادعا می‌شود که روش قرآن به قرآن ملاک عمل است، اما در عمل می‌توان گفت که این ادعا چندان مقرون به صحت نیست و با مقایسه آثار تفسیری، پی می‌بریم که قهرمان تفسیر قرآن به قرآن، علامه طباطبایی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی با ذکر مثالی در این خصوص گفت: علامه در آیه 171 و 172: «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا...؛ بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند» (بقره/123)، به ذکر 36 مورد از بحث شفاعت می‌پردازد با طرح آیات مختلف قرآن، بحث مستوفایی از شفاعت ارائه می‌دهد.

وی ویژگی دوم المیزان را مربوط به روش‌های تفسیری دانست و اظهار کرد: در برخی تفاسیر، تفسیر قرآن به ترتیب آیات و در برخی دیگر، تفسیر به صورت موضوعی انجام می‌گیرد. اما از ویژگی‌های خاص تفسیر المیزان این است که روش آن ترتیبی - موضوعی است که این ویژگی در 15 جزء اول قرآن، مشهودتر است و در نیمه دوم قرآن، شاید به دلیل ضرورت در کاهش حجم مطالب، این ویژگی کمتر می‌شود، اما روش ترتیبی - موضوعی همچنان وجه غالب است.

پژوهشگر علوم قرآن و تفسیر ادامه داد: روش علامه طباطبایی این است که با ترتیب آیات قرآن به پیش می‌رود و در جایی که به موضوعی با اهمیت ویژه برمی‌خورد، آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عنوان مثال، علامه ذیل آیات 23 و 24 سوره بقره که مربوط به بحث اعجاز است، بحث معجزه و اعجاز را به طور مستوفای مطرح می‌کند و به بررسی همه مطالب پیرامون آن را با استناد به همه آیات قرآنی که به این موضوع مربوط می‌شود، می‌پردازد و زوایای آن را روشن می‌کند.

وی افزود: به همین جهت برای یافتن بسیاری از مفاهیم معارف دینی، می‌توان با مراجعه به فهرست تفصیلی المیزان، آن مطلب را یافت و همه مباحث پیرامونی آن را یکجا ملاحظه کرد و از این جهت، المیزان وجه کاربردی‌تری پیدا می‌کند.

حاج‌عبدالباقی یکی از امتیازات تفسیر علامه را تفکیک بحث روایی از بحث تفسیری دانست و گفت: در غالب تفاسیر، روایات در

لابه‌لای تفاسیر موجود هستند و روایات غث و ثمین و معتبر و بی‌اعتبار در کنار یکدیگر جای گرفته‌اند. اما علامه طباطبایی در وهله نخست، روایات را جدا می‌کند و می‌خواهد ادعا کند که می‌توان قرآن را بدون روایت هم فهمید.

وی افزود: این به معنای بی‌توجهی علامه به روایت #171: «إِنِّي تَارِكٌ فَيَكُمُ الثَّقَلَيْنِ؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي» نیست که گمان کنیم علامه برای روایات اهمیتی قایل نیست، این به مسئله ناظر به توجه علامه به گرفتاری تفاسیر به روایات ضعیف و جعلیات و اسرائیلیات است و چون علامه به این موضوع واقف است، برتری بیشتری نسبت به سایر تفاسیر پیدا می‌کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ادامه داد: المیزان دو مرحله و مرتبه از تفاسیر دیگر که از روایات ضعیف و جعلی بهره گرفته‌اند، پالایش شده است. مرحله اول این است که علامه مباحث روایی را بیرون از بحث تفسیری مطرح کرده است و در مرحله دوم علامه در بحث روایی به بهترین نحوی که برای یک اثر تفسیری ممکن است، به پالایش در روایات تفسیری می‌پردازد.

وی در ادامه گفت: علامه ابتدا روایات تفسیری که مورد وثوق او بوده است، مطرح کرده و سپس به بحث و نقد روایات ضعیف‌تر پرداخته و بعضی روایات را بدون این‌که از آن استفاده‌ای بکند، مطرح کرده و با سکوت از آن عبور کرده است و به این ترتیب جایی برای فکر و تحقیق را باز می‌گذارد.

پژوهشگر علوم قرآنی با تأکید بر ویژگی ممتاز تفسیر المیزان که با بررسی دقیق المیزان دریافت می‌شود، گفت: تفسیر المیزان، ظاهراً تفسیر قرآن به قرآن است و پالایش جدی نسبت به روایات ضعیف صورت داده است. اما با دقت نظر در المیزان، متوجه می‌شویم که در بسیاری از مواقع، درک ابتدایی از معنای آیه بدون راهنمایی‌های روایی چندان میسر نمی‌شود؛ گویی تفسیر عقلی، اجتهادی و قرآن به قرآن با چراغی که این روایات برای او روشن کرده، از آن آیات ارائه شده است.

وی افزود: به تعبیر روشن‌تر گویی علامه طباطبایی به طور بی‌صدا و خاموش، در آغاز نور را از چراغ روایت گرفته است و با چراغی که زوایای آیه را آشکار کرده است، شروع به تفسیر آیه می‌کند و ضمن تفسیر آیه، هیچ ذکری از روایت نمی‌کند، بلکه چون آن تلنگر اندیشه از سوی روایت ایجاد شده است، با آن جهت‌گیری می‌اندیشد و با اجتهاد خود به تفسیر قرآن به قرآن می‌پردازد.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی سپس چنین نتیجه گرفت که از این جهت دو وزنه ارزش‌مند در تفسیر به دست می‌آوریم. نخست این‌که اجتهاد و نظریه‌پردازی و عقل‌گرایی در تفسیر، در مسیر صحیح خود جولان پیدا می‌کند و امکان رشد پیدا می‌کند و از سویی دیگر، جهت‌دهی روایت سبب می‌شود که فکر به انحراف نرود.